

سؤال/جواب ۷: چگونه ابراهیم می‌گوید ستاره، ماه و خورشید پروردگار من است؟

سؤال/ ۷: كيف يليق بنبي من أولي العزم وهو إبراهيم (ع) أن يقول عن الكوكب أو القمر أو الشمس بأنه ربي؟!

پرسش ۷: چگونه سزاوار است که پیامبری از پیامبران اولو العزم همانند ابراهیم (ع)، ستاره، ماه یا خورشید را پروردگار خود بخواند؟!

الجواب: متوهم من يظن أن هذا الكلام حصل من إبراهيم (ع) في عالم الشهادة، أي في هذه الحياة الدنيا وإن كان إبراهيم (ع) ربما أعاده في هذه الحياة الدنيا؛ للتبكي بقومه الذين يعبدون هذه الكواكب، أو الأرواح المحركة لها ([124]).

پاسخ: کسی که گمان کند این سخن در عالم شهادت یعنی در این دنیا از ابراهیم (ع) حاصل شده، دچار پندار و توهم است، هرچند ممکن است ابراهیم (ع) آن را در زندگی این دنیا تکرار کرده باشد؛ به جهت نکوهش قومش که این ستارگان یا ارواح حرکت دهنده‌شان را می‌پرستیدند. ([125])

والحقيقة أنّ محمداً وآل محمد حيرت أنوارهم القدسية أصحاب العقول التامة من الأنبياء العظام والملائكة الكرام ([126])، حتى ظنوا أنهم الملك العلام سبحانه ([127]).

واقعیت آن است که انوار قدسی محمد و آل محمد، صاحبان عقل‌های کامل از انبیای بزرگوار و ملائکه‌ی کرام را حیرت‌زده کرده است ([128]) تا حدی که گمان بردند ایشان (ع) خدای دانای سبحان می‌باشند. ([129])

فإبراهيم (ع) لما كُشف له ملكوت السموات، ورأى نور القائم (ع) قال: هذا ربي، فلما رأى نور علي (ع) قال: هذا ربي، فلما رأى نور محمد قال: هذا ربي، ولم يستطع إبراهيم (ع) تمييز أنهم عباد إلا بعد أن كُشف له عن حقائقهم ([130]).

وتبيّن أفولهم وغيبتهم عن الذات الإلهية، وعودتهم إلى الأنا في آتات. وعندها فقط توجه إلى الذي فطر السموات، وعلم أنهم (صنائع الله والخلق بعد صنائع لهم) كما ورد الحديث عنهم ([131]).

هنگامی که ملکوت آسمان‌ها برای ابراهیم (ع) گشوده شد، و نور قائم (ع) را دید گفت: این پروردگار من است، و هنگامی که نور علی (ع) را دید گفت: این پروردگار من است، و هنگامی که نور محمد (ص) را دید گفت: این پروردگار من است. ابراهیم (ع) نتوانست بفهمد که این‌ها بندگان‌اند، مگر پس از آن که حقایق آن‌ها برایش کشف شد ([132]) و أفول آن‌ها و غیبت‌شان از ذات الهی و بازگشت‌شان به منیت در لحظه‌هایی، نمودار گشت. فقط در آن هنگام بود که به آن که آسمان‌ها را پدیدار ساخته است روی آورد و آن‌گاه دانست که ایشان (ع) «مخلوقات خداوند هستند و خلق پس از خلقت ایشان می‌باشد»، همان‌طور که در حدیث از ایشان (ع) روایت شده است. ([133])

ولإبراهيم (ع) العذر، فقد ورد في دعاء أيام رجب عن الإمام المهدي (ع) في وصف محمد وآل محمد: (لا فرق بينك وبينها إلا أنهم عبادك وخلقك) ([134])، فسبحان ربك رب العزة عما يصفون، وسلام على محمد وآل محمد الطاهرين، والحمد لله رب العالمين.

ابراهیم (ع) را عذری است. در دعای ایام رجب از امام مهدی (ع) در توصیف محمد و آل محمد (ع) چنین وارد شده است: «میان تو و آن‌ها جدایی نیست؛ جز این که آنان بنده و مخلوق تو هستند». ([135]) پس منزّه است پروردگارت، پروردگارِ عزت، از هر آنچه به وصفش می‌گویند، و سلام بر محمد و خاندان طاهر او، و ستایش خاص پروردگار جهانیان است.

قال تعالى: (وَكَذَلِكَ نُرِي إِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلِيَكُونَ مِنَ الْمُوقِنِينَ * فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ رَأَى كَوْكَبًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَا أَحِبُّ الْآفِلِينَ

([136]) * فَلَمَّا رَأَى الْقَمَرَ بَازِغًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَأِن لَّمْ يَهْدِنِي رَبِّي لَأَكُونَنَّ مِنَ الْقَوْمِ الضَّالِّينَ * فَلَمَّا رَأَى الشَّمْسَ بَازِغَةً قَالَ هَذَا رَبِّي هَذَا أَكْبَرُ فَلَمَّا أَفَلَتْ قَالَ يَا قَوْمِ إِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ * إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ ([137]).

خداوند متعال می فرماید: (و این چنین ملکوت آسمانها و زمین را به ابراهیم نشان دادیم تا از اهل یقین گردد * چون شب او را فرو گرفت، ستاره‌ای دید. گفت: این است پروردگار من. چون فرو شد، گفت: فروشوندگان را دوست ندارم. * آن‌گاه ماه را دید که طلوع می کند، گفت: این است پروردگار من. چون فرو شد، گفت: اگر پروردگار من مرا راه ننماید، از گمراهان خواهم بود. * و چون خورشید را دید که طلوع می کند، گفت: این است پروردگار من، این بزرگتر است و چون فرو شد، گفت: ای قوم من، من از آن چه شریک خدایش می دانید بیزارم) ([138]).

و تفسیر کلام ابراهیم بآنکه فی هذه الحياة الدنيا وفي عالم الشهادة، وللاحتجاج على عبدة الكواكب أو عبدة الشمس بالخصوص، لا ينافي ما قدمت. كما أن الرواية الواردة في تفسیر هذه الآية بأنها في هذه الحياة الدنيا هي عن الإمام الرضا (ع)، وللاحتجاج على المأمون العباسي (لعنه الله) بأن الأنبياء معصومون، ومن أين للمأمون العباسي أن يفقه كلام الإمام (ع) لو تكلم في الملكوت؟! ثم إن المأمون مجادل أراد بالسؤال الاحتجاج على الإمام (ع) لا الاستفهام، ثم إنه لو قال للإمام الرضا (ع) زدني لزاده الإمام (ع).

تفسیر سخن ابراهیم به این که در این زندگانی دنیا و در عالم شهادت و برای احتجاج بر پرستش کنندگان ستارگان یا بندگان خورشید به طور خاص بوده است، با آنچه پیش تر گفته شد منافاتی ندارد. همان طور که در روایت وارد شده در تفسیر این آیه اشاره دارد به این که ماجرا در همین زندگی دنیوی بوده است؛ تفسیری که از امام رضا (ع) روایت شده است برای احتجاج بر مأمون عباسی (لعنت الله علیه) بوده مبنی بر این که پیامبران معصوم می باشند. اگر امام (ع) درباره‌ی ملکوت

سخن می‌گفت، مأمون عباسی کجا می‌توانست سخن امام را بفهمد و دریابد؟! علاوه بر این، مأمون ستیزه‌جو، جدل‌پیشه بود و می‌خواست با این پرسش بر امام احتجاج کند و قصد وی فهمیدن مطلب نبود. درضمن اگر به امام رضا(ع) می‌گفت بیش‌تر بفرماید، امام رضا(ع) بیش‌تر سخن می‌فرمود.

ثم إن السياق القرآني دال على أنّ رؤية إبراهيم (ع) للكوكب والقمر والشمس هي رؤية ملكوتية، فقد جاء الكلام عنها بعد الكلام عن إراءة إبراهيم (ع) لملكوت السماوات.

علاوه بر این، سبک و سیاق قرآن دلالت دارد بر این که دیدن ستاره، ماه و خورشید توسط ابراهیم (ع)، رؤیتی ملکوتی بوده است؛ سخن در این خصوص پس از سخن در مورد نشان دادن ملکوت آسمان‌ها به ابراهیم(ع) آمده است.

في تفسير القمي: قال سئل أبو عبد الله (ع) عن قول إبراهيم هذا ربي أشرك في قوله هذا ربي قال (ع): (من قال هذا اليوم فهو مشرك ولم يكن إبراهيم مشرك وإنما كان في طلب ربه وهو من غيره شرك) ([139]).

در تفسیر قمی آمده است: گفت: از امام صادق(ع) درباره‌ی سخن ابراهیم که به غیر خدا گفت «هذا ربّي» پرسیدند؛ آیا او با این گفته مشرک شد؟ فرمود: «هر کس امروز چنین بگوید مشرک است ولی از ابراهیم شرکی سر نزده است؛ چرا که ابراهیم در جست‌وجوی پروردگارش بوده است، ولی بیان این جمله از دیگری، شرک محسوب می‌شود» ([140]).

ورواه العياشي: وزاد عن أحدهما عليهما السلام: (إنما كان طالباً لربه ولم يبلغ كفراً، وانه من فكر من الناس في مثل ذلك فإنه بمنزلته) ([141]).

عیاشی نیز این حدیث را روایت کرده و به نقل از یکی از آن دو (علیهما السلام) چنین افزوده است: «او فقط در طلب پروردگارش بود و به کفر نرسید و اگر هر انسانی در چنین شرایطی چنین تصویری کند در جایگاه او قرار می‌گیرد».[142]

فلو كان قوله: (هذا ربي) في عالم الشهادة ، أي في هذه الحياة الدنيا ، وهو بحث عن الرب فهو قطعاً شرك، ولا فرق في صدوره عن إبراهيم (ع) أو غيره. بلى، إنه من إبراهيم (ع) ليس شركاً؛ لأنه بحث ملكوتي روعي بعد أن كشف لإبراهيم (ع) ملكوت السموات والأرض. أما من غير إبراهيم (ع) فهو شرك؛ لأنه بحث في عالم الشهادة في هذه الحياة الدنيا والأجسام الموجودة فيها.

اگر این گفته‌ی «هذا ربّي» در عالم شهادت یعنی در این حیات دنیوی می‌بود و از جست‌وجوی پروردگار ناشی می‌شد، به طور قطع شرک به حساب می‌آمد، و فرقی در صادر شدن آن از ابراهیم(ع) یا شخصی دیگر وجود نداشت. آری، صادر شدن آن از ابراهیم(ع) شرک محسوب نمی‌شود؛ چرا که پس از کشف شدن ملکوت آسمان‌ها و زمین برای ابراهیم(ع)، این عمل، جست‌وجویی ملکوتی و روحانی بود؛ ولی اگر از غیر ابراهیم(ع) سر بزند شرک محسوب می‌شود؛ چرا که جست‌وجو در عالم شهادت در این زندگی دنیوی و اجسام موجود در آن می‌باشد.

ثم إنَّ الإمام (ع) بيّن أنّ الذي يبحث عن ربه في الملكوت فليس بمشرك، بل هو بمنزلة إبراهيم (ع). (إن أمرنا صعب مستصعب لا يتحمّله إلا نبي مرسل، أو ملك مقرب، أو مؤمن امتحن الله قلبه للإيمان) ([143]). نعم، لأنه مؤمن امتحن الله قلبه للإيمان.

سپس امام(ع) بیان می‌فرماید کسی که در ملکوت به دنبال پروردگار است مشرک نیست بلکه او در جایگاه و مقام ابراهیم(ع) می‌باشد. «به طور قطع امر ما سخت و چالش‌برانگیز است که کسی جز نبی مرسل (فرستاده‌شده) یا ملک مقرب

یا مؤمنی که خداوند قلبش را برای ایمان آزموده است، نمی‌تواند تحملش کند». [144] آری، چرا که او مؤمنی بود که خداوند قلبش را برای ایمان آزموده بود.



1- عن علي بن محمد بن الجهم، قال: حضرت مجلس المأمون وعنده الرضا علي بن موسى عليهما السلام، فقال له المأمون: يا بن رسول الله، أليس من قولك أن الأنبياء معصومون؟ قال: (بلى). قال: فسأله عن آيات من القرآن في الأنبياء، فكان فيما سأله أن قال له: فأخبرني عن قول الله عز وجل في إبراهيم (ع): (فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ رَأَى كَوْكَبًا قَالَ هَذَا رَبِّي)، فقال الرضا (ع): (إن إبراهيم (ع) وقع إلى ثلاثة أصناف: صنف يعبد الزهرة، وصنف يعبد القمر، وصنف يعبد الشمس، وذلك حين خرج من السرب الذي اخفي فيه، فلما جن عليه الليل فرأى الزهرة قال: هذا ربي؟! على الإنكار والاستخبار، فلما أفل الكوكب قال: لا أحب الأفلين؛ لأن الأفول من صفات المحدث لا من صفات القديم، فلما رأى القمر بازغاً قال: هذا ربي؟! على الإنكار والاستخبار، فلما أفل قال: لئن لم يهدني ربي لأكونن من القوم الضالين، فلما أصبح ورأى الشمس بازغة قال: هذا ربي؟! هذا أكبر من الزهرة والقمر، على الإنكار والاستخبار لا على الإخبار والإقرار، فلما أفلت قال للأصناف الثلاثة من عبدة الزهرة والقمر والشمس: يا قوم إني بريء مما تشركون إني وجهت وجهي للذي فطر السماوات والأرض خنيهاً وما أنا من المشركين). وإنما أراد إبراهيم (ع) بما قال أن يبين لهم بطلان دينهم، ويثبت عندهم أن العبادة لا تحقق لما كان بصفة الزهرة والقمر والشمس، وإنما تحقق العبادة لخالقها، وخالق السماوات والأرض، وكان ما احتج به على قومه مما ألهمه الله عز وجل وأتاه كما قال عز وجل: وَتِلْكَ حُجَّتُنَا آتَيْنَاهَا إِبْرَاهِيمَ عَلَى قَوْمِهِ . فقال المأمون: لله درك، يا بن رسول الله) عيون أخبار الرضا (ع): ج 1 ص 197 ح 1.

[125]- از علی بن محمد بن جهم روایت شده است: مأمون در مجلس حاضر شد در حالی که در برابرش علی بن موسی الرضا ع قرار داشت. مأمون به او گفت: ای فرزند رسول خدا ص مگر شما نمی‌گویید پیامبران معصوم هستند؟ امام (ع) فرمودند: «بله». پس از او سوالاتی در خصوص آیات قرآن کریم در مورد انبیا پرسید که در بینشان سوالی بود که در آن مأمون گفت: پس مرا از مفهوم این سخن خداوند عزوجل در مورد حضرت ابراهیم (ع) خبر بده: (چون شب او را فرو گرفت، ستاره‌ای دید. گفت: این است پروردگار من). امام رضا (ع) فرمودند: «ابراهیم (ع) در جمع سه گروه قرار داشت؛ گروهی ستاره‌ی زهره را می‌پرستیدند، گروهی ماه را و گروهی دیگر خورشید را و این در زمانی بود که ابراهیم (ع) از مخفیگاهی که در آن جا پنهانش کرده بودند خارج شد. زمانی که شب او را فرا گرفت، ستاره‌ی زهره را دید. از روی انکار و استخبار گفت: «آیا این پروردگار من است؟!» و هنگامی که ستاره‌ی زهره

غروب کرد گفت: «من غروب کننده‌ها را دوست ندارم؛ زیرا غروب کردن از صفات پدیده‌های حادث است نه از صفات قدیم (ازلی)». زمانی که ماه را در حال طلوع کردن دید از روی انکار و استخبار گفت: «آیا این پروردگار من است؟!» هنگامی که ماه غروب کرد گفت: «اگر پروردگارم مرا هدایت نکند بی‌شک از گروه گمراهان خواهم بود». زمانی که صبح شد و خورشید را در حال طلوع دید باز از روی انکار و استخبار و نه از روی اقرار گفت: «آیا این پروردگار من است؟! این از زهره و ماه بزرگ‌تر است!». زمانی که خورشید هم غروب کرد به سه گروه پرستندگان زهره، ماه و خورشید گفت: (ای قوم من! من از آنچه شریک خدایش می‌دانید بیزارم، من از روی اخلاص روی به سوی کسی آوردم که آسمان‌ها و زمین را آفریده است و من از مشرکان نیستم). ابراهیم(ع) از آن چه گفت می‌خواست بطلان دینشان را برایشان روشن کند و برای آن‌ها ثابت کند عبادت برای آن چه دارای صفت زهره، ماه و خورشید باشد صحیح نیست و عبادت تنها برای خالق آن‌ها و خالق آسمان‌ها و زمین صحیح است و این احتجاج و استدلال بر قومش را خداوند متعال به او الهام کرد و به او داد همانطور که خداوند عزوجل می‌فرماید: (این برهان ما بود که آن را به ابراهیم در برابر قومش دادیم). پس مأمون گفت: ای فرزند رسول خدا ص آفرین بر شما. عیون اخبار الرضا(ع): ج 1 ص 197 ح 1.

[126]- كما في حديث المعراج وعلة الأذان ، فراجع .

[127]- وفي حديث المعرفة الذي دار بين أمير المؤمنين ورسول الله يقول فيه الرسول : (... وقد سبقناهم إلى معرفة ربنا وتسيبته وتهليله وتقديسه، لأن أول ما خلق الله عز وجل خلق أرواحنا فأنطقنا بتوحيده وتحميده، ثم خلق الملائكة فلما شاهدوا أرواحنا نوراً واحداً استعظموا أمرنا فسبحنا لتعلم الملائكة إنا خلق مخلوقون، وانه منزه عن صفاتنا، فسبحت الملائكة بتسيبنا ونزهته عن صفاتنا، فلما شاهدوا عظم شأننا هللنا ، لتعلم الملائكة أن لا اله إلا الله وإنا عبيد ولسنا بالهة يجب أن نعبد معه أو دونه، فقالوا: لا إله إلا الله، فلما شاهدوا كبر محلنا كبرنا لتعلم الملائكة أن الله أكبر من أن ينال عظم المحل إلا به، فلما شاهدوا ما جعله ...) علل الشرائع: ج 1 ص 5.

[128]- همان طور که در حدیث معراج و علت اذان گفته شده است. به آن مراجعه کنید.

[129]- در حدیث معرفت که بین امیرالمؤمنین و رسول خدا ص جریان یافت و در آن، رسول خدا ص می‌فرماید: «.... درحالی که پیش از ایشان به پروردگاران معرفت پیدا کرده و به تسبیح و تهلیل و تقدیسش پرداخته‌ایم؛ زیرا اولین موجودی که خداوند عزوجل آفرید ارواح ما بود. پس از آفریدن، آن را به توحید و تحمیدش گویا ساخت سپس فرشتگان را آفرید. ایشان وقتی مشاهده کردند ارواح ما یک نور است امر ما را بزرگ شمردند و ما برای این که فرشتگان بدانند مخلوق هستیم و او از صفات ما مخلوقات مبرّا است حضرتش را تسبیح و تنزیه نمودیم. فرشتگان نیز با تسبیح ما به تسبیح حق پرداخته، حضرتش را از صفات ما منزّه نمودند. و نیز چون شأن ما را با عظمت دیدند برای این که فرشتگان بدانند هیچ خداوندی جز الله نیست و ما بندگان کوچکی هستیم و ما آفریدگار نیستیم که به همراه او یا به غیر از او پرستیده شویم، به تهلیل آن حضرت پرداختیم. وقتی فرشتگان چنین دیدند آنان نیز به گفتن لا اله الا الله مبادرت ورزیدند. و نیز وقتی عظمت و موقعیت و جایگاه ما را مشاهده کردند جهت آگاه نمودن ایشان از این که حق تعالی بزرگ‌تر از هر چیزی است و عظمت و جایگاه و موقعیت ما صرفاً به واسطه‌ی او است به تکبیر پرداخته، حضرتش را به بزرگی یاد نمودیم. و چون عزّت و قوت ما را مشاهده کردند....». علل الشرائع: ج 1 ص 5.

4- لا يخفى أن معرفة إبراهيم (ع) لهم صلوات الله عليهم بحسبه هو، لا انه عرفهم معرفة حقيقية، وهل بعد قول رسول الله لعلي (ع): (يا علي ما عرف الله إلا أنا وأنت، ولا عرفني إلا الله وأنت، ولا عرفك إلا الله وأنا) مستدرك سفينة البحار للنمازي: ج 7 ص 182، مجال للشك والتوهم في أن إبراهيم (ع) عرفهم بتمام حقائقهم؟!

[131]- في اللمعة البيضاء للتبريزي الأنصاري ص 64: روي عن النبي: (كنت أنا وعلي نوراً بين يدي الرحمان قبل أن يخلق عرشه بأربعة عشر ألف عام - وفي رواية العوالم: قبل آدم بأربعين ألف عام - فلم نزل نتمحض في النور حتى إذا وصلنا إلى حضرة العظمة في ثمانين ألف سنة، ثم خلق الله الخلائق من نورنا، فنحن صنائع الله والخلق كلهم صنائع لنا). وفي حديث آخر: (والخلق بعد صنائعنا).

[132]- پوشیده نیست که شناخت ابراهیم از ایشان که صلوات پروردگارم بر آنها باد، با توجه به ظرفیت خودش بود نه این که او حقیقت کامل آنها را درک کرده باشد. آیا پس از این سخن رسول خدا ص به علی (ع): «ای علی! خدا را جز من و تو شناخت و مرا جز خدا و تو شناخت و تو را جز من و خدا شناخت» (مستدرک سفینه البحار نمازی: ج 7 ص 182) آیا مجالی برای شک و توهم باقی می ماند که ابراهیم (ع) تمام حقیقت آنها را شناخته باشد؟!

[133]- در لمعة البيضاء تبریزی انصاری ص 64 آمده است: از پیامبر ص روایت شده است: «من و علی نوری در پیشگاه حضرت رحمن چهل هزار سال پیش از این که عرشش را بیافریند بودیم و در روایت عوالم: چهل هزار سال پیش از آدم- و ما پیوسته در نور بودیم تا در هشتاد هزار سال به حضور عظمت رسیدیم. سپس خداوند خلاق را از نور ما آفرید. پس ما مخلوقات خداوند هستیم و تمام خلق، مخلوق ما» و در حدیثی دیگر: «و خلق پس از خلقت ما».

[134]- بحار الأنوار: ج 95 ص 393.

[135]- بحار الانوار: ج 95 ص 393.

2- من قبیح ما قاله البعض - ردّاً علی ما أحکمه السيد أحمد الحسن (ع) في بیان هذه الآية - : كيف يقصد بالكواكب محمداً وعلياً والقائم عليهما السلام، وهل يعقل أن يقول إبراهيم (ع) عن سادة الخلق: (لا أحبهم)؟! والجواب: أن نبي الله إبراهيم (ع) كان مرتاداً وباحثاً عن إله كامل حاضر لا يغيب وعندما رأى تلك الكواكب ولاحظ أفولها قال: لا أحب الأفلين، أي لا أحب أن أعبد رباً يغيب؛ لأن الأفول أو الغياب من صفات المخلوقين المحتاجين.

[137]- الأنعام: 75 - 78.

[138]- انعام: 75 تا 78.

[139]- تفسير القمي: ج 1 ص 206.

[140]- تفسير قمي: ج 1 ص 206.

[141]- تفسير العياشي: ج 1 ص 364 ح 38.

[142]- تفسير عياشي: ج 1 ص 364 ح 38.

[143]- مختصر بصائر الدرجات: ص 26.

[144]- مختصر بصائر الدرجات: ص 26.